

تاریخچه اتحادیه های کاری در انگلستان

(ترد او نیونیسیم)

مقدمه - در دوره قدیم که هیئتهای صنفی و کارگاههای کوچک معمول بود غالباً تعاون حقیقی بین کارگر و کارفرما وجود داشت و صاحب کارگاه عموماً با کارگران کار و زندگی میکرد در اواخر قرن هیجدهم در نتیجه ایجاد ماشین و پیشرفت صنایع منبع تولید در دست معدودی از سرمایه داران تمرکز یافت چون از این بیعد برای تهیه ابزار مکانیکی و حفظ رقابت سرمایه های هنگفتی لازم بود اقدامات اقتصادی بکلی بدست سرمایه داران افتاد که گروه کثیری از کارگران را با مزد بسیار کم بکار میگماردند نتیجه آن شد که از یکطرف صاحبان صنعت و تجارت و سرمایه داران ثروتهای هنگفتی تحصیل کنند و از طرف دیگر بدبختی گروه کثیری از کارگران توسعه یافته و بمزد روزانه ای که بهیچوجه برای زندگی آنها کفایت نمیکرد بسازند .

وضع انگلستان - این وضع اسف انگیز اولین مرتبه در انگلستان شروع شد زیرا توسعه صنایع ماشینی در آن کشور سبب گردید که عده زیادی از پیشه وران و کارگران از کار بیکار و بمعادن و کارخانها روی آورند و شرایط سخت و جانفرسا و دستوره های دشوار و تحمیلات ناروا و غیر انسانی کار فرمایان را گردن نهند . در آن موقع برای پشتیبانی از کارگران هیچگونه قوانین و مقرراتی وجود نداشت گرد هم آمدن کارگران و دست کشیدن آنها از کار جرم بشمار میآمد .

وضع کارگران معادن بسیار اسف انگیز بود زن و بچه با تن نیمه عریان و بادست و پا روی راهرو های تنگ و تاریک معدن میخزیدند و با بارکشهای بی چرخ زوغال میکشیدند در حالیکه بدو پایشان زنجیر بود . کودکان چهار تا هفت ساله مدت دوازده ساعت در تاریکی معدن سرمیکردند و کار آنها در بانی برای عبور بارکشها بود این کودکان را بزور تازیانه بکار و میداشتند خلاصه بهر نحوی بود کار فرمایان آخرین رمق زندگی کارگران را میگریفتند کار دسته جمعی کارگران در معادن و کارخانجات و وضع اسف انگیز مشابه آنها با یکدیگر آنان را بهمیدیکر نزدیک نمود کارگران کم کم احساس کردند که دارای منافع مشترکی هستند و میتوانند با اتفاق هم از حقوق خودشان دفاع نمایند . در اواخر قرن هیجدهم سال ۱۷۹۹ کارگران بافندگی یورکشیر (Yorkshire) ولانکشیر (Lancashire) در شمال انگلستان اتحادیه ای تشکیل و بعنوان اعتراض بطور دسته جمعی دست از کار کشیدند حکومت وقت بشدت از اوضاع نگران شده و در صدد جلوگیری برآمد فوراً لایحه ای بمجلس تقدیم کرد که بموجب آن تشکیل هرگونه اتحادیه را ممنوع و تشکیل دهندگان آنرا قابل تعقیب و مجازات قرار داد این لایحه در عرض بیست و دو روز تصویب و بمرحله اجرا گذاشته شد در اثر توسعه صنایع ماشینی در انگلستان روز بروز بر تعداد بیکاران افزوده میشد و کارگران از استقرار ماشین در کارخانجات سخت نگران و عصبانی بودند این وضع موجب شد

که در سال ۱۸۱۱ در میدلند انگلستان (Middlands) یک نفر کارگر بنام لد (Ludd) برای تخریب ماشینها جمعیت سری از کارگران تشکیل دهد اعضای این جمعیت ساپوتاژ عمومی اعلام کرده و ماشینها را در تمام کارخانجات میشکستند این افراد را بنام موسس آن لدایت (Luddites) میگفتند بعدالدایت ها در تمام کشورها علیه ماشینسرم مبارزه و تخریب پرداختند و اسباب ناراحتی دولتها و صاحبان صنایع را فراهم کردند این کارگران گمان میکردند که برای ابراز دشمنی با سرمایه دار باید ماشینها و کارخانجات را خراب و مضمحل نمود نهضت لدایت ها از ۱۸۱۱ تا ۱۸۱۳ بطول انجامید و بالاخره مجلس انگلستان قانونی وضع کرد که بحکم آن قانون مجازات خرابکاران اعدام بود (این کارگران از نظر ایدئولوژی عقب مانده محسوب میشدند در صورتیکه کارگران چیزفهم آنروز انگلستان موفقیت در مبارزه را از طریق اصلاحات پارلمانی جستجو میکردند). بالاخره پس از مبارزات زیاد در سال ۱۸۲۵ ممنوعیت قانونی اتحادیه‌ها تعدیل گردید و بکارگران اجازه داده شد که فقط برای تعیین نرخ مزد و مدت کار اجتماع نمایند و برای هر کاری که اسباب زحمت دیگران شود سه ماه حبس با اعمال شاقه تعیین شد.

چون دولتها بهیچ شکلی در روابط بین کارفرما و کارگر مداخله‌ای نمیکردند جز اینکه تاسیس اتحادیه و اعتصاب را از طرف کارگران قدغن سازند کارفرمایان استبداد اقتصادی پیدا کردند در نتیجه وضع کارگران در این دوره بسیار تأثرآور گردید مثلاً در ۱۸۳۰ در انگلستان یک عشر از کارگران منچستر در سردابه‌ها منزل داشتند و حد متوسط مزدشان در هفته دو ریال بود بکار واداشتن زنان و اطفال وسیله تعدیات و اعمال زشت شده بود در نتیجه این وضعیت میزان متوفیات در نواحی کاری وحشتناک میشد چنانکه سن متوسط کارگران کارخانه به ۳۰ الی ۲۵ سال میرسید. این امور موجب بروز جنبشی از طرف دانشمندان برضد مسلکهای اقتصادیون که آزادیخواهان نامیده میشدند گردید دانشمندان اقتصادی از جمله ریکاردو (۱۷۷۲-۱۸۲۳) بران شدند که مسائل مربوط به تولید کار و دستمزد را از نزدیک مورد بررسی قرار دهند و از طرفی دیگری از صنعتگران بشردوست بنام رابرت اون (۱۷۷۱-۱۸۵۸) Robert Owen که از وضع زندگی و فلاکت کارگران در کارخانه‌های بزرگ متأثر شده بود اتحادیه‌ای بنام اتحادیه کبیر ملی (Great Consolidated Trade Union -) تشکیل داد که در آن تمام کارگران از هر صنفی میتوانند شرکت نمایند در چند هفته این اتحادیه پانصد هزار عضو پیدا کرد که اغلب آنها زنان و کارگران کشاورز بودند (۱۸۳۳). حکومت وقت از پیشرفت این جریان نگران گردید لذا از قانون ۱۷۹۷ استفاده کرده این اتحادیه را غیر قانونی تشخیص و از ادامه حیات آن جلوگیری نمود. نتیجه کارگران کشاورز در قصبه تولپادل (Tolpuddle) از ناحیه (Dorsetshire) علیه اقدامات دولت تظاهرات عظیمی کردند در نتیجه شش نفر از کارگران کشاورزی مورد تعقیب و محکوم به هفت سال تبعید به باتنی بی (Botany Bay) استرالیا شدند.

در نتیجه این اقدام دولت ترداونیونهاد در تمام کشور انگلستان دست به تظاهرات عظیمی زدند این تظاهرات بنام قربانیهای تولپادل برپا گردید ولی یکرشته اعتصابات پی‌درپی که در اثر احساسات بوجود آمده بود و تحت رهبری صحیحی نبود جنبش عظیم ۱۸۳۵ را

از هم پاشید کارفرمایان از موقع استفاده کرده از کارگران تعهد گرفتند که وارد ترادونیون نشوند و هر کارگری سرپیچی کند از کارخانه اخراج میشود و از طرف دیگر قانونی گذراندند که بیکاران باید در اردوی کار (Workhouses) کار کنند کارگران بیکار ناچار بودند در آنجا بکارهای شاق و پرحمت تن در دهند تا فقط غذای خود را دریافت دارند و اجازه نمیدادند که کارگران بیکار از صندوق اتحادیه استفاده نمایند.

اون (Owen) که از ارباب صنایع انگلستان بشمار میرفت کارخانه‌های خود را (کارخانه‌های ریسندگی) که در نیولامارک (New Lamark) واقع بود کارخانه نمونه قرارداد بدین ترتیب که در آن کارخانه‌ها مدت کار را تقلیل داد و مزد کارگران را زیادتر و مسکن و منزل آنها را بهتر کرد و اطفاالشان را در دبستانهای مجانی گذارد.



Robert Owen

روبرت اوون (۱۷۷۱)

(۱۸۵۸) از صاحبان

صنایع روشنفکر که برای

متحد کردن اتحادیه‌های

کوچک و تشکیل یک

اتحادیه بزرگ سعی و

کوشش فراوان کرد.

اون سعی کرد که قانون تازه‌ای برای کار از پارلمان بگذراند ولی موفق نگردید. اون برای ایجاد شرکتهای تعاونی و اجتماع کارگران شروع به تبلیغات نمود و برای این مقصود بانگی تاسیس کرد بنام بانک تبادل کار (در سال ۱۸۳۲) که در آنجا کارگران حاصل دسترنج خود را بوسیله اسناد کار با هم مبادله نمایند بطوریکه ذکر شد اون سعی میکرد که عموم کارگران صنفی و کشاورزی را بنام اتحاد کبیر ملی دور هم جمع کند تا بوسیله اعتصابهای عمومی مقصود خود را حاصل نماید منظور نهائی اون این بود که کارفرما را حذف کرده شرکتهای تعاونی تولید را جانشین او سازد البته هیچیک از اقدامات اون قرین موفقیت نگردید ولی قدمهائی که او برداشت پس از وی نتایج سودمندی بیار آورد که بعدها در نهضت کارگری انگلستان و تشکیل شرکتهای تعاونی اهمیت بسزائی دارد.

از سال ۱۸۶۰ ترد او نیونها در هر یک از مراکز صنعتی با همدیگر متحد شدند و

اتحادیه‌های ملی را تشکیل دادند. اتحادیه‌های ملی از صنایع عمده از روی نمونه اتحادیه مکانسین‌ها که در ۱۸۵۱ تشکیل شده بود تأسیس گردید دبیران اتحادیه‌های عمده با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و هیئت مشترک از اتحادیه‌های کارگری را بنام شورای اتحادیه (Trade Council) تشکیل دادند.

در ۱۸۶۸ در منچستر اولین کنفرانس عمومی کارگری تشکیل شد Tradēs union Congress (بطور اختصار T. U. C. تی. یو. سی) از آنوقت بی‌در سال کنفرانس از نمایندگان تمام اتحادیه‌ها تشکیل میشود.

اتحادیه‌های سابق نمیخواستند بهیچوجه در سیاست مداخله نمایند آنها تنها بمنافع صنفی اشتغال داشتند و مخالف مداخله دولت در روابط بین کارگر و کارفرما بودند و عقیده داشتند که اتحادیه‌های کارگری آنها را آنقدر توانا میسازد که میتوانند با روسای کارخانجات قراردادهای دسته جمعی که تساوی طرفین اساس آن باشد منعقد سازند. بنا براین اتحادیه‌های کارگری بدوا بدرخواست قوانینی که وجود آنها و قانونی بودن وسایل اقداماتشان را بشناسند قناعت میورزند از این لحاظ اتحادیه‌ها اصلاح قانون ۱۸۲۵ را تقاضا داشتند چه بموجب قانون مزبور شرایط مندرجه در قراردادهای کار برای کارگر سخت‌تر از کارفرما بود مثلا کارگری که دست از کار میکشید ممکن بود سه ماه حبس محکوم شود در صورتیکه کارفرما که کارگری را از کار اخراج میکرد فقط مکلف بپرداخت وجه خسارتی میکردید تقاضای ترداونیونها مورد موافقت دولت واقع نشد لذا اتحادیه‌های کارگران از ۱۸۶۰ - ۱۸۷۰ در انگلستان دست بیک سلسله اعتصابات شدید و دامنه‌داری زدند کارفرمایان هم در مقابل آنها اتحادیه‌های کارخانجات تأسیس و از کارگران تعهد کتبی مطالبه میکردند که در هیچ اتحادیه‌ای عضویت نداشته باشند و هر وقت کارگران اعتصاب میکردند آنها هم کارخانهای خود را میبستند اما بالاخره در اثر فشار تردد اونیونها کابینه گلاستون (رهبر حزب لیبرال و نخست وزیر وقت) قانون ۱۸۷۱ را از تصویب گذراند که بموجب آن اتحادیه‌ها میتوانند بآگاه نماینده بفرستند اما برای راضی نگاهداشتن صاحبان کارخانجات مهم راجع بحق اعتصاب محدودیت و قیود قانون ۱۸۲۵ کمافی السابق برقرار ماند اتحادیه‌ها از حزب لیبرال ناراضی شدند در موقع انتخابات کلیه اتحادیه‌ها بفتح حزب محافظه کار رای دادند در نتیجه حزب محافظه کار در انتخابات موفق شد کابینه دیزرائیلی (رهبر حزب محافظه کار و نخست وزیر وقت) قانون معروف ۱۸۷۵ را برای کارگران از تصویب گذرانید که بموجب آن فسخ قرارداد کار فقط حق مطالبه خسارات بطرف دیگر میداد خلاصه بموجب این قانون محدودیت قانون ۱۸۲۵ از بین رفت و کلیه اقدامات آرام و صلحجویانه اتحادیه‌های کارگران مورد اغماض و تایید واقع شد.

قانون مزبور اعتصاب را مجاز اعلام نمود و دیگری کتین (Picketing) جرم شناخته نشد. (پیکه بکارگرانی اطلاق میشود که از طرف اتحادیه مامور میشوند که در موقع اعتصاب کارگرانی را که از اعتصاب خودداری میکنند مجبور باجرای دستور اعتصاب نمایند) حتی بموجب این قانون با اتحادیه‌ها اجازه داده شد که اختلافات خود را خودشان حل و فصل نمایند.

در ۱۸۷۴ کنگره ترداونیون (تی . یو . سی) از نمایندگان یکمیلیون و دوست هزار نفر کارگران عضو اتحادیه‌ها تشکیل گردید و این موفقیت بزرگی برای تی . یو . سی بود . از سال ۱۸۷۵ انگلستان با وضع اقتصادی بسیار ناگواری روبرو شد از یکطرف زراعت انگلیس در نتیجه رقابت کشورهای جدیدالتاسیس اروپا رو بانحطاط رفت و تنزل بهای کالاهای کشاورزی بحران کشاورزی ایجاد نمود از طرف دیگر در توسعه خارق العاده بازرگانی و صنعت وقفه حاصل شد زیرا کشورهای اروپا هر یک برای خود صنعت جوانی تاسیس کرده و بنادر خود را بر روی مصنوعات انگلستان بستند و علاوه بر تقلیل عده بازار مصنوعات در همان بازارهای محدود هم کالاهای انگلستان دچار رقابت سخت آلمان و انازونی گردید . وقفه ناگهانی ترقی دائم التزاید صنعت انگلستان در روحیه کارگران تاثیر کلی بخشیده وضعیت آنها را تنبیر داد .

بحران کشاورزی در ابتدای امر موجب تاسیس دو اتحادیه شد یکی اتحادیه ملی کردن املاک ، و دیگر اتحادیه استرداد املاک (۱۸۸۰) اتحادیه‌های مزبور تقاضا میکردند که املاک با پرداخت وجهی بمنوان خسارت یا بدون آن از ملاکین گرفته شده و بملکیت ملت در آید . اقدام این اتحادیه‌ها که بنفع کارگران کشاورز بود در دستور سیاسی حزب رادیکال قرار گرفت چنانکه چمبرلن رهبر این حزب در سال ۱۸۸۵ تقاضا کرد که دولت املاک را از مالکین خریداری و بقسمتهای کوچک تقسیم و بزارعین بفروشد بالاخره این فکر بر طبق قوانین مصوبه ۱۸۸۷ و ۱۸۹۱ و ۱۸۹۳ عملی شد **خورده مالکین با از بین رفتن مالکین عمده بوجود آمدند .**

بحران اقتصادی و صنعتی نیز دو اتحادیه سوسیالیست بوجود آورد یکی (اتحادیه اجتماعی دموکراسی) که در ۱۸۸۰ بدست یکی از شاگردان مارکس بنام هیندمن (Hyndman) تاسیس شد و کوشش داشت عقاید سوسیالیستی آلمان را تبلیغ نماید ولی موفق نگردید . و دیگری جمعیتی بنام فابیان سوسیتی (Fabian Society) که در ۱۸۸۳ بوسیله Beatrice و Sydney Webb و Bernard Shaw تاسیس گشت مرام آنها برقراری تدریجی سوسیالیسم بوسیله عملی بود . کارگران انگلستان تا سال ۱۸۸۰ در سایه فکر عملی و نتایج حاصله از تشکیلات قوی خود با تبلیغات سوسیالیستی مخالف بودند . بحران ۱۸۸۵ موجب بیکاری و پائین آمدن مزد کارگران شد لذا بتدریج افکار اصلاح اجتماعی در محیط کارگران نفوذ نموده و انتشار این عقاید موجب تاسیس اتحادیه‌های جدید شد اتحادیه‌های کارگری معمولاً مرکب از کارگران آزموده بودند که عموماً عواید کافی داشته و میتوانستند مقرری اتحادیه را پردازند مهمترین آنها عبارت بودند از اتحادیه کارگران معدن - مکانسینها - نخ ریسها - و نساجها

کارگران ساده مانند عملجات و زارعین از این اتحادیه‌ها خارج میماندند زیرا بواسطه کمی مزد نمیتوانستند ماهیانه گزاف اتحادیه را پردازند بطوریکه اتحادیه صنفی بناها کجبرها را در جزو خود نمیپذیرفتند و همچنین اتحادیه کارگران راه آهن عملجات بارگیری را جزو خود نمیدانستند .

از سال ۱۸۸۹ جنبش جدیدی ظاهر شد و اتحادیه‌های کارگران ساده تشکیل یافت

اتحادیه‌های جدید مرکب بودند از کارگران بااربری بنادر - و کشاورزان روز-مزد اتحادیه‌های مربوط صندوقی بنام صندوق اعتصاب درست کردند و مساعی خود را در مبارزه با کارفرمایان مصروف ساختند. سیستم عرق (Sweating System) و وضع ناگوار مسکن (slums) در لندن مورد توجه اتحادیه‌ها واقع گردید.

اتحادیه‌های جدید تصویب قوانین کارگری برای تعیین حداقل مزد و حداکثر ساعات کار را تقاضا نمودند و همچنین اتحادیه‌های جدید تقاضای ملی شدن معادن و راه‌های آهن را در سال ۱۸۹۶ از کنگره ادنبرک نمودند. چون اتحادیه‌ها دارای نفوذ و قدرت گردیدند متوجه انتخابات شدند و موفقیت قابل توجهی بدست آوردند در سال ۱۸۹۲ شانزده نفر کارگر نمایندگان مجلس عوام انتخاب شدند که سیزده نفر آنها از حزب لیبرال و سه نفر آنها منفرد بودند. کیر هاردی (Keir Hardie) که یکی از این سه نفر بود در ۱۸۹۲ حزب جدیدی بنام حزب مستقل کار (Independent Labour party) با عقاید سوسیالیستی تشکیل داد و اصلاحات عملی را بدون تأخیر بموقع اجرا گذاشت.



James Keir Hardie

جیمس کیر هاردی

(۱۸۵۶-۱۹۱۵) تشکیل

دهنده معروف تردنیون

که اولین رهبر حزب

کارگر در مجلس عوام

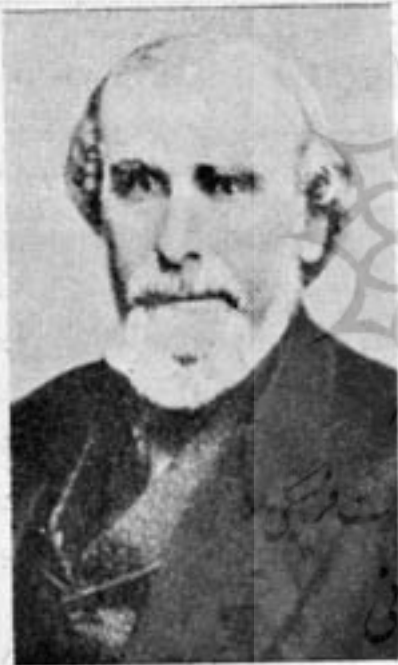
انگلستان بود.

در سال ۱۹۰۰ کنگره ترد نیونها تشکیل و توصیه کرد که تمام دسته‌هایی که دارای عقاید سوسیالیستی هستند بحزب مستقل کار ملحق شوند و نتیجه هیئت اتحادیه سوسیالیستی دموکرات Democratic Federation و جمعیت فایان و ۴۱ اتحادیه کارگری که مجموع اعضای آنها بالغ بر ۳۵۰۰۰۰ نفر بودند باهمدیگر متحد شده حزب فعلی کارگر انگلستان را تشکیل دادند. البته همه کسانی که در تأسیس این حزب شرکت نمودند کارگر نبودند بسیاری از متفکرین بزرگ و نویسندگان عالیه مقام در آن عضو بودند که از آغاز حزب کارگر کمک فکری زیادی بآن کرده اند بعد از تشکیل این حزب افرادان وارد مبارزه انتخاباتی شدند ولی مرتبه اول کرسی خیلی خیلی بدست آوردند لکن متدرجا وبا مرور زمان حزب طوری قوی شد که امروز دومین حزب نیرومند انگلستان است در انتخابات

۱۹۰۰ فقط دو نماینده در مجلس داشتند با ۶۲ هزار رأی در صورتیکه در انتخابات ۱۹۰۶ ۳۲۳ هزار رأی و ۲۹ نفر نماینده در مجلس عوام داشتند . (در ۱۹۲۹ هشت میلیون رأی و ۲۸۷۲ نفر نماینده در مجلس داشتند) .

در ۱۹۰۳ کنگره ترد اونیونها (تی - یو - سی) از ۱۶۵ اتحادیه و یک میلیون عضو تشکیل گردید و تصمیم گرفت رسماً در امور سیاسی مداخله نماید . در ۱۹۰۶ تی - یو - سی ۲۹ نماینده بمجلس عوام فرستاد .

چون حزب کارگر در این سال خود را متکی به تی - یو - سی نمود ترقیات سریعی نموده و ۵۴ کرسی در مجلس عوام بدست آورد و طوری موثر در سیاست شد که احزاب سابق قسمت مهمی از دستور سیاسی خود را وقف مسائل اجتماعی مینمودند و کابینه‌های آزادیخواه لزوم وضع قوانین کارگری را برای بهبود احوال کارگران و حمایت آنان بخوبی درک میکردند و بالاخره در سال ۱۹۰۷ قوانین راجع بحمايت اطفال کارگران و در سال ۱۹۰۸ قانون



Alexander Macdonald

الکساندر ماکدونالد (۱۸۲۱ -
۱۸۸۱) از ده سالگی کارگر معدن
بوده او اولین رئیس اتحادیه ملی
کارگران معدن او و توماس برت
اولین نمایندگان حزب کارگر در
مجلس عوام انگلستان بودند.

Thomas Burt

توماس برت (۱۸۳۷ -
۱۹۲۲) از ده سالگی
کارگر معدن بوده او
چهل و هشت سال دبیر
اتحادیه کارگران معدن
بوده و چهل و چهار سال
نیز نماینده پارلمان
انگلستان بوده است .

هشت ساعت کار در روز برای کارگران معدن و قانون بیمه‌های اجباری برای مرض و بیکاری و در سال ۱۹۱۱ قانون راجع بحوادث کار بتصویب مجلس رسیده و بموقع اجرا گذاشته شد (۵۲ سال پیش از این).

جنگ بین الملل اول تأثیرات مهمی در سازمانهای کارگری انگلستان گذاشت اعضای ترد نیونها که در سال ۱۹۱۴ به چهار میلیون نفر میرسد در ۱۹۱۹ بهشت میلیون نفر بالغ گردید بالاخره دولت ناچار شد قدرت ترد نیونها را بعنوان يك قدرت سیاسی واقعی ملی بشناسد و بحساب بیاورد. در اثنای سالهای اولیه بعد از جنگ ترد نیونها با ایجاد مرکزیت سازمانهای داخلی خود را متحد الشکل نموده و تحت رهبری سیاسی حزب کارگر قرار گرفتند.

تشکیل F.S.I در ۱۹۱۹ در امستر دام و همچنین ایجاد سندیکای بین المللی سرخ در ۱۹۲۱ در مسکو و مبارزه ایدئولوژیک بین این دو سازمان در ترد نیونهای انگلستان افکار افراطی و دست چپی ایجاد کرد.

ترد نیونهای کارگری در این دوره از يك سیاست انقلابی پیروی میکردند و میخواستند خواسته‌های خود را با اعتصاب و ایجاد اغتشاش و سابوتاژ بدست بیاورند چنانچه جمعه سیاه ۱۵ آوریل ۱۹۲۱ در تاریخ انگلستان فراموش نشدنی است. در ۱۹۲۶ نیز يك تب جدیدی عارض انگلستان شد باین معنی که در ۵ مه مجمع عمومی ترد نیونها تصمیم گرفت که بواسطه يك اعتصاب عمومی خواسته‌های کارگران معادن را بخواهند اعتصاب شروع شد در این اعتصاب کارگران بنادر بوسیله بون Bevin راهنمایی و اداره میشد. حکومت محافظه کار بشدت جلوی این اعتصاب عمومی را گرفت و بالاخره پس از یک هفته مذاکره اعتصاب شکست خورد و اتحادیه‌های کارگری مدت بیست سال دچار عواقب و لطمات این شکست شدند زیرا محافظه کاران بموجب قانون Trade Disputes Act که در همان سال بتصویب رسید امکانات عملیات سیاسی و اجتماعی اتحادیه‌ها را محدود کردند بموجب این قانون.

۱ - هیچ عضو اتحادیه نمیتواند در امور سیاسی مداخله نماید.

۲ - کارمندان حق اعتصاب ندارند و اتحادیه آنها نمیتواند عضویتی - یو.سی. T.U.C

باشد.

۳ - در اعتصابات هر خسارتی که بکسی وارد شود (ولو بمنافع او) وارد کننده قابل مجازات است.

۴ - هر اعتصابی که نتیجه اش یا هدفش دولت را تحت فشار قرار دهد برخلاف قانون است و تمام اعمالی که در چنین اعتصاب انجام شود مشمول قانون مصوبه ۱۹۰۶ نخواهد شد. ترد نیونها حق ندارند اعضای خود را که از شرکت در اعتصابات خود داری مینمایند اخراج نمایند.

خلاصه نتیجه افکار انقلابی و عقاید افراطی در ترد نیونها منجر بشکست قطعی آنان گردید بطوریکه ترد نیونها تا بیست سال نتوانستند عواقب وخیم این شکست را جبران نمایند بعد از شکست ۱۹۲۶ افکار غیر انقلابی و مسالمت آمیز در ترد نیونهای انگلستان جانشین

افکار انقلابی گردید و رویه ترد نیونها براین قرار گرفت که بین اتحادیه‌های کارگری و اتحادیه‌های کارفرمایان روح همکاری و توافق ایجاد نمایند و در این زمینه هم موفقیت‌های فراوانی نصیب آنان گردید که از جمله تشکیل شورای صنعتی مختلط (Joint Industrial Councils) می‌باشد که اختلافات بین اتحادیه‌های کارگران و کارفرمایان را حل و فصل مینماید. از طرف دیگر ترد نیونست‌ها متوجه شدند که اعتصابات چه خسارات جبران ناپذیری به اقتصاد ملی و تولید کشور و همچنین بخود کارگران وارد می‌سازد. در حقیقت جنبش‌های کارگری قسمتی از جنبش‌های اجتماعی است و اصولاً نباید جنبش‌های کارگری جنبش‌های دیگر اجتماع را مختل نماید.



میتینگ بزرگ کارگران بندر لندن که تصمیم گرفته‌اند از اعتصاب خودداری کنند

بنابر این روح جدید (new spirit) همکاری با کارفرمایان در اتحادیه‌های کارگری پیشرفت کرد چنانچه (M. Hicks) در کنگره ترد نیون نهاد رادنپورک (Edinburgh) در ۱۹۲۷ اعلام کرد که جنبش کارگری انگلستان وارد مرحله سازندگی شده است و پیشنهاد کرد که کنفرانس‌های مختلط در کلیه موسسات صنعتی و کارگاهها برای مذاکره با کارفرمایان تحت شرایط اقتصادی و صنعتی و امکانات همکاری برای رسیدن به آرامش صنعتی و بهبود تولید و بالا بردن سطح زندگی کارگران تشکیل شود. این پیشنهاد مورد قبول اتحادیه‌های کارفرمایان نیز گردید و یک کمیسیون مختلط زیر نظر تورنر (Turner) و موند (Mond) انتخاب شد و کمیسیون در ۱۹۳۰ به نتایج درخشان مثبتی نایل گردید و یک روح همکاری موثر دائمی ایجاد کرد که حیات اقتصادی و صنعتی انگلستان را نیروی شگرفی بخشید و تمام مسائل مورد

علاقه کارگران و کارفرمایان را مورد بحث و مذاقه قرار داده و به نتیجه مرضی الطرفین رسیدند.

این افکار بوسیله سندیکالیستهای انگلستان مانند والتر سیتزین (Walter Citrine) و کول (C.D.H. Cole) بموقع اجراء گذاشته شد زیرا آنها معتقد بودند که با شرکت نمایندگان کارگران در اداره صنایع ملی کنترل کامل کارفرمایان بتدریج از بین میرود. آنها میگفتند که سرمایه‌داری يك حقیقت است با اصلاح وضع (رفورم) بهتر از اعتصاب هیتوان به نتیجه رسید زیرا آنها به تجربه دریافته بودند که قبل از ۱۹۳۶ سیاست انقلابی آنها را بطرف شکست کشانید.

در تعقیب سیاست همکاری مسئله روابط سرمایه و کار کم يك مسئله سیاسی و مرحله جدیدی تبدیل شد که در صلاحیت حزب کارگران انگلستان در می‌آمد و رفته رفته همکاری با کارفرمایان جای خود را بدخالت مستقیم حزب داد. بهمین منظور حزب کارگر در برنامه خود بیمه‌های اجتماعی - وضع مالیات تصاعدی بر درآمد - تنظیم تولید و قیمتها - را برای بهبود زندگی کارگران قرارداد.

در اثر این تمایلات صلح جویانه و مسالمت آمیز حزب کارگر پشتیبانی تمام ملت انگلستان را جلب نمود تا اینکه در انتخابات سال ۱۹۲۹ پیروز شد و حکومت را بدست رهبر خود ماکدونالد (Mac Donald) سپرد.

بحران اقتصادی ۱۹۲۹ به سندیکالیستها ثابت کرده بود که توقعاتشان باید محدود باشد و نمیتوان از حدود معین بدون خرابکاری تجاوز نمود حزب کارگر هم متوجه شده بود که برای افزایش مزدها حدی وجود دارد که از آن نمیتوان بالاتر رفت بنا بر این حزب کارگر راه حل جدیدی را که عبارت از افزایش تولید بود اتخاذ نمود و روی این فکر برنامه اقتصاد ملی National Economic Planning تنظیم شد که بادخالت دولت در سازمانهای اقتصاد ملی تغییرات زیادی داده شد و با اجرای اصل ملی شدن صنایع و موسسات اقتصادی نظارت عمومی در تمام فعالیتهای اقتصادی بعمل آمد این افکار جدید بوسیله تردنیونها و حزب کارگر توسعه پیدا کرد در زمان جنگ جهانی دوم کلیه تردنیونها برای ازدیاد تولید با دولت همکاری کردند در سال ۱۹۴۰ بوین (Bevin) سندیکالیست معروف بعنوان وزیر کار بکابینه انگلستان دعوت شد او کارگر باربری کشتی و موسس سندیکای عمومی حمل و نقل بود. بوین وظایف خود را در کابینه خوب انجام داد بطوریکه در ۱۹۴۱ يك کمیته مشورتی مرکزی مرکب از ۱۲ نفر از نمایندگان فدراسیون صنعتی بریتانیا و فدراسیون کارمندان بریتانیا و ۱۳ نفر نماینده کارگران که بوسیله تی-یو-سی انتخاب شده بود تشکیل گردید و اقدامات یون را مورد تأیید قرارداد.

در ۱۹۴۵ مجدداً حزب کارگر حکومت انگلستان را بدست گرفت واتلی (Attlee) رهبر حزب کارگر رئیس دولت شد و وزارت خارجه را به بوین (Bevin) سندیکالیست معروف که در سال ۱۹۴۰ وزیر کار بود سپرد و يك سندیکالیست دیگر را بنام ایسکس (Isaacs) بوزارت کار منصوب نمود.

حکومت کارگر با اجرای برنامه خود قوه خرید کارگران را زیاد کرد بطوریکه در ژانویه ۱۹۴۷ وزیر کار مباحثات کرد که ۷۸۳۴۰۰۰/۰ کارگر اضافه مزد دریافت داشته‌اند

و اضافه مزد آنها در هر هفته به ۲۸۳۵۰۰۰ لیره میرسد و نمایش دهنده يك افزایش ۰/۸ نسبت به ۱۹۴۵ و ۰/۶۵. نسبت به ۱۹۳۹ میباشد.
همچنین وزیر کار اعلام کرد که دو میلیون کارگر در ۱۹۴۶ از يك تقلیل مدت کار دو ساعت و چهل دقیقه در هفته استفاده کرده اند که این موضوع افزایش مزد یک ساعت متوسط را نسبت به



Ernest Bevin

ارنست بوین (۱۸۸۱-
۱۹۵۱) کارگر کشاورزی
بوده او سالهای متمادی
دبیر اتحادیه حمل و نقل
عظیم و کارگران عمومی
بوده بعد از جنگ دوم
جهانی وزیر خارجه
انگلستان گردید.

۱۹۴۵ ۰/۱۰ و نسبت به ۱۹۳۹ به ۰/۶۸ میرساند.

همچنین حزب کارگر قانون Trade Disputes Act را که از ۱۹۲۷ تا اوایل ۱۹۴۶ اجرا میشد لغو نمود. بون Bevin بارها اظهار میکرد که: من بیست سال انتظار چنین روزی را میکشیدم که از تنگ اینک مرا اداره کننده اعتصاب ۱۹۲۶ خطاب میکردند خلاص بشوم.

خلاصه حکومت اتلی يك برنامه ملی کردن موسسات صنعتی را که آرزوی دیرینه تر دنیو نهایی انگلستان بود اجرا کرد و موسسات و صنایع زیرین را ملی نمودند:

- ۱- بانک مرکزی ناشر اسکناس و موسسات بیمه .
- ۲- موسسات ارتباطات تلگرافی و تلفونی .
- ۳- هواپیمائی کشوری و حمل و نقل .
- ۴- موسسات بهداری و بیمارستانها
- ۵- کلینیکها و موسسات بهداشتی .
- ۶- موسسات و صنایع مولد انرژی مانند زغال - گاز - الکتریسیته و همچنین موسسات موزع نفت .
- ۷- صنایع فولاد و آهن .

خسارات صاحبان سهام این موسسات بصورتهای مختلفی غالباً با اوراق قرضه دولتی

باسوهای ۰/۳-۰/۵ پرداخته شد.

در ۱۹۵۱ حزب محافظه کار زمام امور را بدست گرفت و بر نامه‌های حزب کارگر متوقف گردید ولی تردنیونها به پیشرفت خود ادامه دادند. در آخر سال ۱۹۶۱ عده اعضای تردنیونهای انگلستان ۹۸۸۳۰۰۰ نفر بود.

در انگلستان در حدود ۶۳۵ اتحادیه وجود دارد که تقریباً $\frac{2}{3}$ تمام تردنیونها عضو ۱۷

اتحادیه بزرگ هستند که نصف آن هم عضو شش اتحادیه بزرگ زیر میباشند:

- ۱- اتحادیه حمل و نقل . ۲- اتحادیه الیاژ ۳- اتحادیه ملی کارگران خدمات عمومی و شهرداری . ۴- اتحادیه ملی کارگران معادن . ۵- اتحادیه کارگران فروشگاهها
- ۶- اتحادیه ملی کارگران راه آهن .

معمولاً در تردنیونهای انگلستان واحد سازمان عبارت از تشکیلات محلی میباشد که آنرا لژ، مینامند هر عضو اتحادیه باید عضو یک لژ باشد که در جلسات این لژ شرکت مینماید پیشنهادات خود را در آنجا میدهد و در تصمیمات و انتخابات شرکت مینماید این لژها در کلیه مسائل محلی تصمیم میگیرند فقط مسائل کلی و مهم را با سازمان ناحیه ای میفرستند که از نمایندگان لژها تشکیل شده است و سازمانهای ناحیه ای نیز نمایندگان برای تشکیل سازمان مرکزی انتخاب مینمایند و مسائل عمومی و مهم را با سازمان مرکزی میفرستند. سازمانهای مرکزی اتحادیه ها میتوانند فدراسیون یا کنفدراسیون تشکیل دهند.

هر اتحادیه نمایندگان در کارگاهها دارند بنام (Shop steward) که آنها اختیارات زیادی دارند از جمله اعضای جدید را آنها پیشنهاد مینمایند. حق عضویت را جمع آوری مینمایند و با اختلافات و شکایات کارگران کارگاه رسیدگی مینمایند. در بعضی از اتحادیه ها مانند اتحادیه چاپخانه ها واحد تشکیلات کارگاه میباشد.

در انگلستان مرکز ملی تردنیونها کنگره تردنیونها میباشد که آنرا تی - یو - سی

T. U. C مینامند. کار علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کلیه اتحادیه های کارگری انگلستان با استثنای سه اتحادیه (اتحادیه کارمندان دولت - اتحادیه ملی معلمان - اتحادیه کارمندان شهرداری) عضو تی - یو - سی میباشد.

تی - یو - سی از ۱۷۵ سازمان کارگری تشکیل شده است که دوازده تای آن فدراسیونهای هستند که از ۱۵۰ اتحادیه های مختلف تشکیل شده اند. بطور کلی ۳۵۰ اتحادیه مستقیماً یا بطور غیر مستقیم عضو تی - یو - سی میباشد که تقریباً نماینده ده میلیون کارگر هستند تی - یو - سی تمام مسائل عمومی تردنیونها را از لحاظ ملی و بین المللی مورد مطالعه و رسیدگی قرار داده و خط مشی کلی تردنیونهای انگلستان را تعیین مینماید.

کنگره تردنیونها هر سال یک هفته (هفته اول سپتامبر) تشکیل میشود و در آن هفته پس از رسیدگی بگزارشات مجمع عمومی گذشته و پیشنهادات و بحث در اطراف دستور جلسات مجمع عمومی جدید را که در ۵۱ هفته بقیه مدت سال باید جانشین کنگره باشد انتخاب مینماید. مجمع عمومی (General council) از ۳۵ عضو تشکیل میشود انتخاب ۳۵ نفر عضو مجمع عمومی بایک روش خاصی که هر اتحادیه به نسبت عده اعضای خود حق رای دارد انتخاب میشوند. دو کرسی در مجمع عمومی برای نماینده کارگران زن اختصاص داده شده است

انتخاب نمایندگان زن بوسیله تمام زندهای اتحادیه‌ها بعمل می‌آید اعضای مجمع عمومی میتوانند پس از خاتمه مدت مجدداً به عضویت مجمع انتخاب شوند .

مجمع عمومی گزارش سالیانه‌ای از کلیه مسائل اقتصادی و صنعتی و مسائل مربوط بکارگران تهیه و به کنگره بعدی تقدیم میدارد .

مجمع عمومی کارهای خود را بوسیله کمیته‌های مختلف انجام میدهد . مجمع عمومی یک نفر را بعنوان رئیس انتخاب مینماید که ریاست کنگره سال بعد را هم او عهده دار میشود . مجمع عمومی در ماه یکبار تشکیل میشود . اعضای مجمع عمومی افتخاری انجام وظیفه مینمایند و حقوقی دریافت نمیدارند ولی غالباً از اعضای موظف اتحادیه‌های خود هستند .

دبیر کل بوسیله کنگره انتخاب میشود او هم عضو کنگره و هم عضو مجمع عمومی است و مقرری او بوسیله مجمع عمومی تعیین میشود و تا موقعیکه کنگره و مجمع عمومی از او راضی هستند در مقام خود باقی میماند چنانچه والتر سیرین (Sir Walter Citrine) از ۱۹۳۵ تا ۱۹۴۶ و ونسان توسن (Vincent Tewson) از ۱۹۴۶ تا ۱۹۶۰ دبیر کل تی-یو-سی بوده‌اند و فعلاً آقای ژورژ وودکوک (G. Woodcock) دبیر کل تی-یو-سی میباشد . و کلیه کارهای ملی و بین‌المللی تی-یو-سی تحت نظر او میباشد و او در مقابل کنگره مسئولیت دارد .

